

البيعة لله

البيعة لله

نکته‌ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

بایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

«كتاب الله و عترتي أهل بيتي»

نویسنده نکته:

زهرا حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم



همه‌ی ما با حدیث متواتر ثقلین آشنا هستیم؛ حدیثی که در اعتبار و صحت آن هیچ تردیدی جایز نیست و برای هر مسلمانی قابل پذیرش است، اما برای من این سؤال پیش آمد که آیا ما به این حدیث متواتر که وصیت پیامبر (ص) درباره‌ی قرآن کریم و اهل بیتش محسوب می‌شود، عمل کرده‌ایم و حقّ این دو امانت نبوی را ادا نموده‌ایم؟

من شخصاً به حال خودم افسوس می‌خوردم که در جواب این سؤال فقط می‌توانم بگویم: نه! چون حقیقت آن است که ما نه تنها حقّ قرآن و عترت پیامبر (ص) را ادا نکرده‌ایم، بلکه با آن دو دشمنی ورزیده‌ایم؛ به این ترتیب که به تعبیر علامه خراسانی، قرآن را پشت سر انداخته‌ایم و عترت را به غیبت واداشته‌ایم... در حالی که اگر به آنچه رسول خدا (ص) در حدیث ثقلین فرمود، عمل می‌کردیم، امروز حال و روز بهتری داشتیم و دوران بهتری را سپری می‌کردیم و این گونه بی‌رهبر و بی‌یاور نبودیم. ما را چه شده است که به تعبیر علامه‌ی بزرگوار از قرآن فقط روخوانی و از عترت فقط روضه‌خوانی را آموخته‌ایم؟! تنها کاری که به زعم خود برای قرآن و عترت می‌کنیم گرفتن ختم و سفره است، در حالی که قرآن نازل شده است تا راهنمای زندگی ما باشد و عترت آمده است تا چراغ راهنما باشد.

هم اکنون در ماه مبارک رمضان هستیم؛ ماه نزول قرآن... اما تمام اهتمام خویش را به ختم

قرآن مصروف نموده‌ایم. تمام شبکه‌های تلویزیونی، هر کدام در یک ساعت مشخص از شبانه‌روز یک جزء از قرآن را پخش می‌کنند؛ طبق عادت هر ساله و روالی تکراری بدون آنکه تأمل و تدبّری پشت آن باشد... البته در فضیلت تلاوت قرآن شکی نیست، اما بدون شک هدف از تلاوت قرآن فهم آن و عمل به آن است. از این رو، فهم قرآن ولو روزی یک آیه باشد، بهتر است از تلاوت یک جزء که از حلق انسان بالاتر نرود. همین قرآن به سوی اهل بیت فرا خوانده است، اما می‌بینیم که امروز در کنار آن‌ها نیستیم! این نشان می‌دهد که ما هم از قرآن جدا شده‌ایم و هم از اهل بیت؛ چراکه قرآن و اهل بیت بر اساس حدیث ثقلین از هم جدا نمی‌شوند و حال که ما از اهل بیت جدا شده‌ایم، معلوم می‌شود که از قرآن هم جدا شده‌ایم و خودمان خبر نداریم!

همه‌ی این‌ها از آن روست که ما به رسم پیشینیانمان، در عرض ارادت به قرآن و عترت زبانمان دراز است، اما در حمایت و اطاعت از آنان، دست‌هایی کوتاه و بی‌خیر داریم و این یعنی آنکه در عمل به وصیت پیامبر دچار خیانت آشکار شده‌ایم. امروز هم تاریخ در حال تکرار است... نداکننده‌ای از مشرق با نام علامه منصور هاشمی خراسانی به سوی رضای آل محمد و بیعت با امام و مولایمان مهدی فرا می‌خواند و حکومت را تنها از آن او می‌خواند و مردم را به حمایت از او تحریض می‌کند، اما گروهی از مردم با او دشمنی می‌کنند و دعوت او به سوی مهدی آل محمد را انحراف و ضلالت می‌خوانند، در حالی که خود در ضلالتی آشکار هستند و با این رفتار خود مانعی برای ظهور!

ای برادران و خواهران مسلمان! سردار خراسان حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی به سوی ثقلین فرا می‌خواند؛ به سوی قرآن و به سوی مهدی؛ در حالی که دیگران ما را به سوی خود فرا می‌خوانند... فقیه به سوی ولایت خود و پادشاه به سوی سلطنت خود... شیخ و شاه در این میان فرقی نمی‌کنند و هر دو در قیاس با مهدی یکسانند. هر ولایتی و هر حکومتی به غیر از حکومت مهدی، پذیرفتنی نیست و ما را به صلاح و فلاح نمی‌رساند؛ همچنانکه تا امروز نرسانده و ما را به زوال و انحطاط نزدیک‌تر ساخته است. دیگر باید این حقیقت را باور کنیم.

بارپروردگار! یاری‌مان کن که یک زندگی قرآنی و مهدوی داشته باشیم و سربلند از این آزمون بزرگ به سوی تو باز گردیم!

